

# Identifying Barriers to Intellectual Education in the life of the Truthful and Quranic Teachings

## ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

### Authors

Marzieh Taghizadeh Pasandi <sup>1</sup>  
Hamid Mohammad Ghasemi <sup>2\*</sup>  
Seyed Ahmad Mirian <sup>3</sup>

### How to cite this article

Marzieh Taghizadeh Pasandi, Hamid Mohammad Ghasemi, Seyed Ahmad Mirian, Identifying Barriers to Intellectual Education in the life of the Truthful and Quranic Teachings, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(1): 149-161.

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: ghasemi831@yahoo.com

### Article History

Received: 2021/04/05  
Accepted: 2021/06/11  
ePublished: 2021/06/21

## ABSTRACT

**Purpose:** This study seeks to infer the principles of religious education based on resurrection with emphasis on the Holy Quran.

**Materials and Methods:** This research has been done with a qualitative approach and through inferential method with Frankenna reconstructed model. The field of research included the Qur'an, commentaries, and religious texts, as well as research and articles written in the field of resurrection.

**Findings:** In this study, after collecting the required research data from the above texts, concepts were first categorized using thematic coding method. Then, based on Frankenna's inferential model, the principles were inferred. In order to be reliable and believable and in order to ensure the results, the ways to achieve the results were regularly analyzed and interpreted under the supervision of expert professors.

**Conclusion:** Based on the results of research, some principles of religious education based on resurrection with emphasis on the Holy Quran are: faithfulness to the covenant, divine piety, faith, righteous deeds, avoiding disbelief in the resurrection, self-calculation and avoiding the air of the soul, Self-preservation and cultivation. Enlightenment, learning lessons, repentance and avoidance of sin, avoidance of worldliness, peace and being, forgiveness to others, avoidance of usury, avoidance of underselling, avoidance of division.

**Keywords:** Inference, Principles of Religious Education, Resurrection, Holy Quran.

## شناسایی موانع تربیتی عقلانی در سیره صادقین (ع) و

## آموزه های قرآنی

مرضیه تقی زاده پاسندی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

حمید محمد قاسمی<sup>۲\*</sup>

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسئول)

سید احمد میریان<sup>۳</sup>

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

## چکیده

هدف: از اجرای این پژوهش، شناسایی موانع تربیتی عقلانی در سیره صادقین (ع) و آموزه های قرآنی است.

مواد و روش ها: از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده است.

یافته ها: بیانگر آن است که موانعی که امامین صادقین (ع) در تربیت عقلانی به دنبال آن بوده اند شامل دوری از اعتدال، عدم تناسب تربیت با سطح فکری متربی، طمع و آزمندی، خشم و ... موجب می شود تا تربیت عقلانی متوقف و در برخی موارد تعطیل شود.

نتیجه گیری: با توجه به تربیت عقلانی شیوه های تربیت برگرفته از سیره صادقین (ع)، می توان طمع و آزمندی، خشم، دوری از اعتدال و ... به عنوان موانع تربیت عقلانی در نظر گرفت.

کلیدواژگان: تربیت عقلانی، موانع، سیره صادقین (ع)، امام صادق (ع)، امام باقر (ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

\*نویسنده مسئول: ghasemi831@yahoo.com

## مقدمه

در آموزه های اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی تأکیدات بسیاری قابل مشاهده است؛ تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می شود و عقل جز در بستر علم نمی روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد. برای پرورش عقل، روش هایی در منابع اسلامی ذکر شده است که این روش ها توازن عقل را حفظ و راهیابی آن به سمت علم صحیح را میسر می سازد (۱). تربیت عقلانی نزد برخی اندیشمندان عبارت است از ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان در درون هستی (۲) و برخی دیگر آن را مجموعه تدابیر و اعمالی برشمرده اند که به طور منظم و سازمان یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به هدف های مطلوب فراهم می آورند (۳).

از دیگر سو بسیاری از ظرایف نهفته در مفهوم تربیت عقلانی، از خطبه معروف امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> قابل استنباط است: «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِمَّا قَفَرْتَهُ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنَسَى نِعْمَتَهُ وَيَحْتَجُوا عَلَيْهِم بِالْبَلِيغِ وَبِثَرْوَا لَهُمْ دَفَائِنُ الْعُقُولِ»؛ «پیامبرانش را در میان آن ها (مردم) مبعوث ساخت و پی در پی رسولان خود را به سوی ایشان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان خواستار شده، نعمت های فراموش شده را به یاد آن ها آورد و با ابلاغ دستورات خدا، حجت را بر آن ها تمام کند و گنج های پنهانی عقل ها را آشکار و شکوفا سازد». عاقل چون بداند، مطابق علمش عمل کند و چون عمل کند آن را خالصانه و برای خدا انجام دهد و چون به درجه مخلصان رسد در کنج عزلت نشسته، وقتش را با حضرت دوست سپری گرداند» (۴).

با درک عقل مورد نظر اسلام و پذیرش شرایط آن روشن می شود که مراد از عقل در تربیت عقلانی، عقل مبتنی بر وحی یا عقل دینی است نه عقل خود بنیاد. در واقع خطای اندیشه پیامد عقل منقطع از وحی و امام و حجت الهی بوده و بدون مرجعیت وحی از اساس هرگونه تعقل فاقد اعتبار خواهد بود. با این توصیف در ادامه به تربیت عقلانی در الگوهای اسلامی و غیراسلامی خواهیم پرداخت. از طرفی می توان این گونه استنباط نمود که رویکرد آموزه های اسلامی به تربیت عقلانی رویکردی جامع و قابل جمع با رویکرد دینی بوده و زمینه ساز حیات طیبه یا حیات معقول انسان ها خواهد شد.

فناحی پور در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مقایسه تربیت عقلانی و معنوی انسان از دیدگاه قرآن کریم و جامعه شناسان به ویژه ماکس وبر» به مقایسه تربیت عقلانی و معنوی انسان از دیدگاه قرآن کریم و جامعه شناسان به ویژه ماکس وبر پرداخت. نتایج نشان داد که مبانی هستی شناختی و انسان شناختی تربیت که از مؤلفه هایی چون توحید و یگانگی مبدأ و غایت آفرینش و نیز بعثت و فرستادن مربیان آسمانی در بخش هستی شناختی تشکیل شده و نیز فطرت، کرامت، اراده و اختیار انسان ها در ساحت انسان شناختی، عناصر و مؤلفه های بنیادین تربیت اسلامی و قرآنی معرفی و شناسایی شده است، چنان که به اهداف تربیت نیز از آفاق متفاوت مادی و معنوی نگریسته شده و کمال

موانع تربیت عقلانی و لزوم مطالعه دقیق آن در سیره صادقین(ع) از یک سو به جایگاه رفیع تربیت عقلانی در اسلام و از سوی دیگر به اهمیت پرورش ذهن در مواجهه با چالش‌های نوپدید دنیای معاصر بر می‌گردد.

نظر به اهمیت تربیت عقلانی و موانع آن در تربیت یافتگی ساحات وجودی متریبان، مطالعات نگارنده حکایت از آن دارد که علی‌رغم وجود آموزه‌های متعدد برآمده از سیره معصومین: هنوز ادبیات محتوایی در ارتباط با تربیت عقلانی ناکافی بوده و نیازمند تدوین الگوهایی در ساحت نظر و عمل می‌باشد. از این جهت نگارنده بر آن شد تا در قالب این مقاله و با نظر به سیره امامین صادقین(ع) به بررسی موانع تربیت عقلانی اقدام نماید. با این توصیف پرسش این مقاله آن است که ۱- موانع تربیت عقلانی در سیره صادقین(ع) چگونه معرفی شده‌اند؟ ۲- عواملی که به منظور حس انتقام‌جویی در انسان موجب توقف رشد عقلانی در سیره صادقین ۸ شده‌اند؟

#### مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به صورت کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتالی است. روش مورد استفاده در سازمان‌دهی و انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌های تفسیری، تاریخی و مجلات، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث از آیات و روایات و مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی استفاده شده است در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از اصول علمی به تبیین و توصیف دقیق مطالب مورد بحث پرداخته شود.

#### یافته‌ها

موانع تربیت عقلانی در تعلیم و تربیت اسلامی «موانع تربیتی» به اموری اطلاق می‌شود که از تأثیر عوامل تعلیم و تربیت جلوگیری می‌کنند. گرچه جلوگیری کردن نوعی تأثیرگذاری است و تنها امور وجودی می‌توانند حقیقتاً در چیزی تأثیر بگذارند، اما گاه امور عدمی نیز با تشبیه به امور وجودی، مانع تلقی می‌شوند. برای مثال، غفلت که همان نبودن توجه یا به یاد نداشتن است، یا ضعف و ناتوانی که همان کمبود و نداشتن توانایی است از موانع تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند (۹). گرچه کار موانع تربیتی، عموماً جلوگیری از تأثیر عامل و خنثا کردن اثر آن است، اما گاه به اموری که در تعلیم و تربیت تأثیر عکس و منفی دارند نیز «مانع» اطلاق می‌شود. البته جلوگیری از تأثیر عامل را نیز می‌توان نوعی تأثیرگذاری منفی به حساب آورد، زیرا در جهت مخالف تأثیر عامل، اثر می‌کند. از این رو، همان تلقی اجمالی را درباره‌ی مانع، با توضیح ارائه شده می‌پذیریم و مانع را چیزی می‌دانیم که در تربیت عقلانی، تأثیری منفی داشته باشد. در واقع، در فهرست موانع تربیت عقلانی، اموری ذکر می‌شوند که یا از تأثیر عوامل تربیت عقلانی

انسانی از راه تقرب و عبودیت خداوند و به دیگر سخن خدا گونه شدن، هدف اصلی و بنیادین تربیت از منظر قرآن معرفی شده است (۵).

فقهی و ترکاشوند در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «جستاری در تربیت عقلانی؛ واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه‌ی امام خمینی قدس سره» به واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه‌ی امام خمینی قدس سره درباره تربیت عقلانی پرداختند (۶). در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی انجام شد این‌گونه نتیجه‌گیری شد که رشد، پویایی، استحکام و پیشرفت حیات انسانی براساس بهره‌مندی از فکر صحیح تأمین می‌شود. حیات انسانی حیاتی فکری است و مهم‌ترین وجه تمایز انسان از دیگر حیوانات این است که انسان، حیوانی است متفکر، و زندگی بشر نیز بدون تفکر و تعقل سازمان نمی‌پذیرد. از این رو، لازمه ابتدای حیات بر فکر این است که هر قدر فکر کامل‌تر باشد، استحکام حیات بیشتر است. اما این که قرآن تفکر را اساس و زیربنای تکامل قلمداد کرده است و ریشه تمام مفاسد اجتماعی و فردی را حاکم نبودن عقل می‌داند، خود بهترین دلیل برای اثبات اهمیت تفکر و تعقل نزد قرآن کریم است.

رشیدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی اصول و روش‌های تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع)» به بررسی اصول و روش‌های تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع) پرداخت (۷). این تحقیق، از نوع «تحقیقات کاربردی»، روش آن «توصیفی- تحلیلی» و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، «تحلیل محتوا» بوده است. مهم‌ترین نتایج حاصله از این تحقیق، به این شرح بود که: ۱- عقل با توجه به سخنان امام رضا(ع) عبارت است از: «نیروی تشخیص حق و باطل در قلمرو نظر و خیر و شر در قلمرو عمل، از یک سو، و بازدارنده از اعمال سیئه و هدایت‌کننده به اعمال صالح، از سوی دیگر». ۲- اصول و روش‌های تربیت عقلانی، براساس سخنان امام رضا(ع) عبارت است از: «مجموعه اصول و روش‌های مستخرج از سخنان امام رضا(ع) که به‌گونه منظم و سازمان یافته، موجب رشد و پرورش عقل در دو جنبه نظری و عملی، در جهت دستیابی به اهداف واسطه‌ای علم، ایمان، و عمل و نیل به هدف غایی قرب الهی» هستند.

اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش، مجموع اطلاعاتی است که مشخص می‌کند نتایج این تحقیق، تا چه حد برای محقق و نیز تا چه حد برای دیگران مفید و مثمر می‌باشد. ضرورت قابل توجه در مطالعه تربیت عقلانی در سیره صادقین(ع) آن است که تمامی ساحات تربیت شامل تربیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... از بعد عقلانی برخوردار بوده و مساله تربیت عقلانی در همه ساحات حاضر است. وجود انسانی، دارای جنبه‌های جسمانی، اجتماعی، روانی، اخلاقی و عقلانی، و تعامل و ارتباط فعال آن‌ها با یکدیگر می‌باشد اما نقش تربیت عقلانی در اثرگذاری و غنی‌سازی ساحات وجودی انسان، برجسته و متمایز به نظر می‌رسد. به طور کلی عقلانیت، یکی از تمایزات برجسته انسان نسبت به دیگر موجودات است؛ به‌گونه‌ای که ارزیابی جایگاه انسان در قرآن، به میزان تکامل عقلی او بستگی دارد (۸). بنابراین اهمیت

دهند؟ فرمود: شما وقتی چیزی را نمی‌فهمند برای آنان بازگو می‌کنید، می‌گویید: خداوند گوینده این گفتار را لعنت کند، در حالی که خداوند عزوجل و رسولش آن را گفته‌اند (۱۲). و نیز حضرت فرمودند: مسیح<sup>(ع)</sup> می‌فرمود: کسی که درمان جراحت مجروح را رها کند، لا جرم با مجروح‌کننده آن شخص (در این جرم) شریک است؛ زیرا مجروح‌کننده، تباهی مجروح را می‌خواسته، و آن که درمانش را رها کرده، خیر او را نخواسته است، پس اگر خیر او را نخواسته، پس ناگزیر تباهی او را خواسته است به همین ترتیب، حکمت را برای ناهلش بازگو نکنید که جهالت ورزیده-اید؛ و آن را از اهلهش دریغ نکنید که گناه کرده اید؛ بلکه باید هر یک از شما چون پزشکی درمانگر باشد که اگر جایی برای درمان یافت، اقدام کند، و گرنه دست نگه دارد (۱۰).

در روایتی امام صادق<sup>(ع)</sup> از پدر بزرگوارشان نقل می‌کند که: امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرمود: ما (اهلبیت) فرزندانمان را در پنج‌سالگی به نماز گزاردن وادار می‌کنیم، و شما فرزندانمان را در هفت‌سالگی به نماز وادارید. هم‌چنین ما فرزندانمان را در هفت‌سالگی - تا جایی که طاقت روزه دارند، تا نصف روز باشد یا بیشتر و یا کمتر - به روزه گرفتن وادار می‌داریم...؛ ولی شما فرزندانمان را در نه‌سالگی و به اندازه تاب و توانشان به روزه‌داری وادار کنید، و چون تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنید» (۱۳). در این روایت، امام باقر<sup>(ع)</sup> به روشنی تفاوت برنامه تربیت دینی اهلبیت: در مورد فرزندان ایشان را با برنامه تربیت دینی فرزندان پیروانشان گوشزد می‌کند. ایشان برای ادای نماز و گرفتن روزه، سن دستور به فرزندان پسر خویش را با سن فرزندان پسر دیگران، دو‌گونه بیان می‌کند: سن تعلیم نماز برای فرزندان امام پنج سالگی و برای سایرین هفت‌سالگی، سن گرفتن روزه برای فرزندان امام هفت‌سالگی و برای سایرین نه‌سالگی. همه این مباحث نشانگر در نظرگیری سعه وجودی و تاب‌آوری عقل متربی در مسیر تربیت دینی به شمار رفته و وجود آن مانعی در تربیت عقلانی محسوب می‌شود.

شادی این نکته به ذهن متبادر شود که تجویزات امامین در مباحث مذکور فقط در فرزندان معصوم اهلبیت: قابلیت تعمیم دارد اما در این مسیر دو احتمال وجود دارد که قابلیت تعمیم به همه متریبان خواهد یافت. احتمال اول را اطلاق «صبیاننا» که همه فرزندان پسر اهلبیت<sup>(ع)</sup> اعم از امام و غیر امام را شامل می‌شود، رد می‌کند، و احتمال دوم را امام زین‌العابدین<sup>(ع)</sup> چنین پاسخ می‌گوید: شخصی به امام سجاد عرض کرد: شما اهلبیت: پیامبر، بخشیده شده‌اید. امام خشمگین شد و فرمود: در مورد ما همان آیاتی جریان دارد که درباره زنان پیامبر جاری است؛ اگر ما گناه کنیم، مجازاتمان دو برابر و اگر نیکوکار باشیم پادشمان دو برابر است. آن‌گاه حضرت آیات ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب را (که پیش از این گذشت) تلاوت فرمود (۱۴). امام با خشمگین شدن در برابر این سخن که اهلبیت: از صفت خاص بخشش

جلوگیری می‌کنند یا در تربیت عقلانی اثر معکوس دارند، اعم از آن که حقیقتاً اموری وجودی باشند یا با تشبیه به امور وجودی، در زمره‌ی آن‌ها محسوب شوند. در ادامه به معرفی موانع تربیت عقلانی در سیره صادقین: خواهیم پرداخت.

عدم تناسب تربیت با سطح فکری متربی

از جمله موانع تربیت عقلانی در سخن و سیره صادقین<sup>(ع)</sup> عدم تناسب روش و محتوای تربیتی با سطح فکری متریبان و عدم توجه به ظرفیت وجودی متریبان به‌نظر می‌رسد. مساله یاد شده در اصول و روش‌های علوم تربیتی رایج نیز مورد توجه قرار گرفته و در آموزه‌های اسلامی نیز مسوق به سابقه است. به عنوان مثال در آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا مَّا آتَاهَا»؛ «خداوند کسی را تکلیف نمی‌کند مگر به اندازه آن چه به او داده است» (طلاق/۷)؛ بدیهی است که اشاره قرآن به وجود تفاوت‌های فردی و این که وظیفه فرد، تنها انجام اعمالی است که توانایی آن را دارد، ایده اصلی موضوعی است که دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به آن رسیده‌اند و آن توجه به ملاک تفاوت‌های فردی در استعدادها و توانایی‌های انسان برای تنظیم مسائل تربیتی و تنظیم تکالیف است به نحوی که هر فرد به نوع آموزش یا نوع شغلی که متناسب با استعداد و توانایی‌اش می‌باشد، راهنمایی و ارشاد می‌شود و پایگاه مربوطه را اشغال می‌کند. با این توصیف باید به این نکته پرداخت که عدم توجه به این مهم به منزله‌ی مانعی بر مسیر تربیت عقلانی در سیره صادقین<sup>(ع)</sup> از چه جایگاهی برخوردار است.

امام صادق<sup>(ع)</sup> در این باره می‌فرماید: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بَكُنْهٖ عَقْلُهُ قَطُّ وَقَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (۱۰)؛ رسول خدا<sup>(ص)</sup> با هیچ کس به اندازه علم و عقل خود سخن نگفت، و خود در گفتارش می‌فرمود: «ما پیامبران مأموریم با هر کسی به اندازه علم و عقل خود سخن گوئیم». لذا در تربیت عقلانی و در مقام ارشاد و راهنمایی باید ظرفیت شنونده را در نظر گرفته و در مورد موضوعاتی با او صحبت کرد که صلاحیت آن را دارا باشد. با این توصیف مریبی در تربیت عقلانی باید متربی را بشناسد همان‌گونه که معصومین: و از میان آنان نیز امام صادق<sup>(ع)</sup> از این نظرشناختی بسیار وسیع از مردم و مخاطبان خود داشتند. و در تربیت مردم خود ظرفیت فکری و روحی آن‌ها را در نظر گرفته و می‌دانستند مردم از نظر ظرفیت‌ها و استعدادهای طبیعی و اکتسابی متفاوت‌اند و تأثیرپذیری آنان از تربیت سازنده و عقلانی نیز متفاوت است (۱۱).

امام صادق<sup>(ع)</sup> در نقلی دیگر به اقبال و سطح فهم متریبان اشاره نموده و می‌فرماید: «برای مردم، آن چه را می‌پذیرند، بازگو کنید و آن چه را انکار می‌کنند، واگذارید. آیا دوست دارید خدا و رسولش دشنام داده شوند؟». گفتند چگونه خدا و رسولش را دشنام می-

أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَوَدَّوْا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ فَمَرُوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تَسْعَ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامٍ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.»

۱ - إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَعِ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِنَّ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ وَكَثُرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْعَرْتُ

تقوا از بنده در مقابل آن چه از فهم عقل پوشیده مانده، محافظت می‌کند و به وسیله تقوا کوری و نادانی او را بر طرف می‌سازد و به وسیله تقواست که نوح<sup>(ع)</sup> و همراهان او در کشتی نجات یافتند و به وسیله تقوی صالح<sup>(ع)</sup> و همراهان از صاعقه نجات یافتند و به وسیله تقواست که صابران رستگار شدند و آن گروه‌ها از هلاکت نجات یافتند<sup>(۱۳)</sup>. در جای دیگر به سعد خیر فرمود: «أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ، وَ الْغَنِيْمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ» (۱۳)؛ تو را به تقوا و خداترسی توصیه می‌کنم، زیرا در تقوا سلامت و رهایی از تلف شدن (و هلاکت) و سود بردن در بازگشتگاه (آخرت) است.

در اندیشه‌ی امامین صادقین<sup>(ع)</sup> از عوامل مؤثر و منحرف‌کننده از مسیر توحید و قانون الهی هوی و هوس است به طوری که امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «هوی دشمن عقل و مخالف حق و حقیقت و همراه باطل است و هوی از شهوات نفسانی نیرو می‌گیرد» (۱۸). از این رو مجاهده با نفس و کنار زدن هواهای نفسانی موجب به بار نشستن اخلاق و شکوفا شدن آن در وجود آدمی می‌شود. در عین حال، تنوع و کثرت جلوه‌های هوا و هوس در انسان مبارزه با آن را دشوار می‌کند؛ به‌ویژه به این سبب که هوا در برابر عقل است، اما از جنس عقل عملی، نه عقل نظری، و هوای نفس مانع پدید آمدن انگیزه‌هایی است که برای تحریک عقل عملی لازم‌اند. هوای نفس حتی در عقل نظری هم اختلال ایجاد می‌کند؛ به طوری که گاه انسان باطل را حق می‌انگارد یا عملاً به شرک روی می‌آورد. از آن‌جاکه در منطق قرآن منشا همه گناهان به هواپرستی منتهی می‌شود و مرجع همه اوصاف رذیله شرک است، هواپرستی در حقیقت شرک ربوبی است. از این رو، علمای اخلاق و تربیت «تخلیه»، خالی کردن نفس از رذایل، را بر «تحلیه»، آراستن نفس به زیورهای اخلاقی، مقدم می‌دانند و آن را عامل شکوفایی فضایل اخلاقی بر می‌شمارند.

مباحث فوق بیانگر آن است که در تربیت عقلانی، عالم محضر خداست و همه کارها در حضور او انجام می‌گیرد و همین شرم و حضور برای دوری از گناهان کافی است. به همین سبب است که در سیره تربیتی امام صادق<sup>(ع)</sup> پرداختن به نفس مساوی با گناه انگاشته شده است. ابن ابی یغفور می‌گوید: امام صادق<sup>(ع)</sup> در حالی که سرمبارک خود را به طرف آسمان بلند کرده بود، چنین می‌گفت: «رَبِّ لَا تَكَلِّنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا لَا اَقْلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا اَكْثَرَ»؛ خداوند! مرا به اندازه یک چشم به هم زدن، به خود وامگذار؛ نه کمتر و نه بیشتر. آن‌گاه اشک‌های آن حضرت سرازیر گشت و به طرف ما روی گرداند و فرمود: ای فرزند یغفور! خداوند یونس بن متی را کمتر از یک چشم به هم زدن به خودش واگذار نمود، او آن‌گاه را مرتکب گشت. عرض کردم: آیه کفر رسید؛ خداوند کارهای شما را بهبود بخشد. فرمود: خیر، ولی مرگ در آن هنگام، هلاک و نابودی است (۱۳، ۱۴).

برخوردارند، واکنش نشان می‌دهد و می‌فرماید که خاص بودن ما، مانند همسران رسول خدا<sup>(ص)</sup> در موقعیت و شأن اجتماعی نهفته است؛ یعنی بی‌دلیل هیچ خصیصه‌ای را به ما نسبت ندهید و اگر تفاوتی میان ما و دیگران هست، در مقام و منزلت اجتماعی ماست. پس تفاوت ما در برنامه تربیت فرزندانمان، ناشی از تفاوت و برتری شأن و منزلتمان در مقایسه با سایر مردم است. با این توصیفات نگارنده معتقد است تفاوت در سطح فهم و عقل متربیان، یکی از جهت‌های تفاوت انسان‌ها در تربیت عقلانی است که سیاستگذاران تربیتی ملزم ما به رعایت آن هستند تا فقدان آن مانع رشد عقلانی متربیان نشود. در واقع باید تفاوت متربیان در جهات متعددی همچون استعداد ذهنی و قدرت فهم و مانند آن، را تربیت عقلانی در نظر گرفت. در تربیت عقلانی، همان‌گونه که امامین صادقین<sup>(ع)</sup> آن را مورد نظر قرار می‌دادند بین متربیان دارای شئون و موقعیت اجتماعی و افراد دیگر تفاوت گذاشته و این امر به منزله اصل تربیتی لازم‌الرعایه است. از دیگر سو سیره تربیتی امامین صادقین<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد، انباشتن ذهن متربیان قبل از افزایش سعه وجودی و فکری آنان با مطالب غیرلازم، فرصت تفکر و تشخیص صحیح و ناصحیح را از متربیان می‌گیرد و موجب می‌شود عقاید باطل بر آن حق جلوه کند و به سوی افکار و عقاید باطل و غیرصحیح گرایش یابند.

#### پیروی از هوای نفس

از دیگر موانع تربیت عقلانی در سیره صادقین<sup>(ع)</sup> هوای نفس است. شهید مطهری بزرگ‌ترین عامل و مانع رشد و تربیت عقلانی را در تبعیت آدمی از نفس اماره تبیین نموده و می‌گوید: «بالاترین دشمن عقل، نفس اماره که آدمی را همواره تحت سیطره حکومت هوا و هوس قرار می‌دهد (۱۵). ایشان معتقد است: در هر مسئله‌ای تا انسان خود را از شر اغراض بی‌طرف نکند نمی‌تواند صحیح فکر کند؛ یعنی عقل در محیطی می‌تواند درست عمل کند که هوای نفس در کار نباشد. و در صورت تبعیت از هوا و هوس، کانون عقل و اندیشه مسخر دل و خواهش‌های نفسانی می‌گردد و اسارت اندیشه و لذت از گناه مجال حیات معقول را به آدمی نخواهد داد. آدمی باید بر نفس خویش مسلط باشد و در راستای شناخت «خود» جهد نماید تا درب تمامی حقایق بر او گشوده گردد (۱۵). امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمودند: «لَا عَقْلَ كَمُخَالَفَةِ الْهَوَى» (۱۶)؛ هیچ خردمندی‌ای به اندازه دشمنی با هوای نفس نیست. و نیز فرمودند: «الْهَوَى يَقْطُنُ وَالْعَقْلُ نَائِمٌ» (۱۷)؛ هوای نفس، بیدار است و عقل در خواب. از منظر امام باقر<sup>(ع)</sup> یکی از نشانه‌های خردمندی، دشمنی با هوای نفس است که در صورت به کار نگرفتن عقل و خرد، نفس به فعالیت خویش ادامه می‌دهد و به همین جهت هوای نفس از خطرناک‌ترین دشمنان عقل محسوب می‌گردد. آن حضرت در نامه به سعد خیر نوشت: «به راستی خداوند به وسیله

۱- إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَتَّقَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَيَجْلِي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاءَ وَجَهْلُهُ وَبِالتَّقْوَى نَجَا نُوْحٌ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ وَصَالِحٌ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ وَبِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعَصَبُ مِنَ الْمَهَالِكِ.

تندروی‌های بیجا دست بردارند و هم‌چنین افرادی که نسبت به عقاید دینی خیلی سست و کم عقیده هستند، خود را اصلاح نموده و به حقایق دین آشنا شوند. و همین روش، سیره امام باقر<sup>(ع)</sup> دربارهٔ جریانات سیاسی و شورش‌های زمان حضرت است. چه آن‌که الگوی مبارزات سیاسی علیه حاکمان جور را در وجود «زید بن علی بن الحسین»؛ برادر بزرگوارش می‌داند و به مردم اعلان می‌کند: «وَأَمَّا زَيْدٌ فَلِسَانِي الَّذِي أَنْطَقَ بِهِ» (۲۱)؛ «زید، زبان گویای من است» و دربارهٔ میزان ارزش مبارزاتی «زید» می‌فرماید: «لَنْ أَحْيِي زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ خَارِجَ فَمَقْتُولٍ عَلَى الْحَقِّ فَالْوَيْلُ لِمَنْ خَذَلَهُ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ حَارَبَهُ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ قَاتَلَهُ» (۲۰).

روزی امام صادق<sup>(ع)</sup> در نزد شاگردان، آیه ۶۷ سوره فرقان را تلاوت می‌کرد، آن‌گاه مشتی سنگ‌ریزه از زمین برداشت، محکم در دست گرفت و فرمود: «این، همان بخل و سخت‌گیری است (که در آیه از آن نهی شده است)». سپس مشت دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن بر روی زمین ریخت و فرمود: «این، همان اسراف است». بار سوم مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود، به گونه‌ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش باقی ماند و فرمود: «این، همان اعتدال بین سخت‌گیری و اسراف است». و هم‌چنین فرمود: «کسی که آبی را از نهر فرات برای خوردن بردارد و بعد از نوشیدن، زیادی آن را بیرون بریزد، اسراف کرده است» (۲۲). در نقلی دیگر مردی خدمت امام صادق<sup>(ع)</sup> آمد. حضرت به او فرمود: «تقوای الهی پیشه کن. اسراف نکن و بر خود هم سخت مگیر. میان‌روی، مایه استواری است. تبذیر همان اسراف است که خداوند درباره آن فرموده: تبذیر و زیاده روی نکن» (۲۳). در احوال امام صادق<sup>(ع)</sup> آورده‌اند که هرگاه چیزی کمی هم در سفره می‌افتاد، حضرت آن را بر می‌داشت و این کار باعث تعجب خادم می‌شد و امام می‌خندید» (۲۴). در واقع مسیر تربیت عقلانی مسیری است که هقبل از عقل‌ورزی به رعایت اعتدال می‌انديشد تا عقل به ورطه انحراف و زیاده‌خواهی منحرف نشود.

در روایات آمده است شخصی از مالک بن انس درباره استوای خداوند بر عرش که در قرآن کریم وارد شده، سوال کرد وی سرش را پایین انداخت و گفت: «الاستواء معلوم و الکيفيه مجهول و الايمان به واجب و السؤال عنه بدعه» و از این‌رو افرادی هم‌چون شافعی و احمدبن حنبل نیز به مخالفت با علم کلام پرداختند. در مقابل این گروه، معتزله را عقل‌گرایان افراطی دانسته‌اند، به گونه‌ای که در اندیشه آن‌ها عقل و احکام عقلی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در کشف و استنباط اعتقادات دینی و هم‌چنین اثبات این عقاید بر عهده داشته است، لذا آن‌ها در روش خود، هر مسأله‌ای را بر عقل و خرد آدمی عرضه می‌کردند و اگر توجیه عقلانی برای آن می‌یافتند آن را می‌پذیرفتند» (همان).

استنباط این که بدون توجه نظام تعلیمی متعادل، «تربیت عقلانی» معنا پیدا نمی‌کند. چرا که عقل برای شکوفا شدن نیاز به بستری دارد تا بارور شود و به بالندگی برسد. از دیگر سو پرسش‌های گوناگون شاگردان امام<sup>(ع)</sup> نیز در برداشت عقلی از ظواهر آیات و متون دینی، بیانگر جایگاه رفیع اعتدال در بهره‌گیری از عقل در

به این ترتیب از مجموع آیات و روایات صادقین<sup>(ع)</sup> بر می‌آید که هوای نفس مانعی مهم در فرایند تربیت عقلانی است و در صورت پیروی از خواسته‌های نفسانی، زمینه حاکم شدن هوای نفس فراهم می‌شود و گرایش‌های نفسانی زمام امور انسان را در اختیار گرفته و بر عقل غالب می‌گردند. در این صورت عقل‌کارایی خود را از دست می‌دهد و عاقبتی جز خسران برای انسان به بار نمی‌آورد. نتیجه آن‌که «پیروی از هوای نفس» به منزله مانعی در تربیت عقلانی به حقیقت روشنی اشاره می‌کند، چه این که هوا پرستی معمولاً هم‌چون پرده‌ای به روی عقل متربی کشیده می‌شود و حقیقت را در نظر او دگرگون می‌نماید، جز مقصود خود را نمی‌بیند و به غیر آن نمی‌اندیشد و به تبه پیروی از هوای نفس عقل از حق باز می‌ماند و آرزوهای دور و دراز آن‌چنان انسان را مشغول و سرگرم به خود می‌کنند که هرچه غیر از آن است فراموش می‌گردد. با این توصیف در تربیت عقلانی آزادی از اسارت هوای نفس مقدم بر شکوفا سازی عقل می‌باشد.

#### دوری از اعتدال

دوری از اعتدال در عقل‌ورزی از جمله موانع تربیت عقلانی در سیره و احادیث بجا مانده از امامین صادقین<sup>(ع)</sup> به نظر می‌رسد. این مانع بنا بر نظر برخی اندیشمندان ناشی از برداشت‌های متفاوت از مفهوم عقل بوده است. در عصر امام صادق<sup>(ع)</sup> برخی از اندیشمندان، آن‌قدر عقل را به حیض ذلت کشانده بودند که گویی هیچ ارزش و دخالتی در حوزه تربیت و معرفت ندارد و برخی آن‌چنان عقل و خرد را در مسند بالا نشانده بودند که گویی او تنها حاکم سرزمین معرفت و دانایی بوده و سایر منابع شناخت ذیل عقل تعریف می‌شدند. عالمان اهل حدیث به نص‌گرایی روی آورده و یگانه مرجع و منبع دست‌یابی به معارف دینی را ظواهر آیات و روایات و نصوص می‌دانستند و با هرگونه عقل‌ورزی در متون دینی به مخالفت برخاستند. «برخی از حدیث‌گرایان تا آنجا بر ظواهر نصوص کتاب و سنت جمود ورزیدند که در قلمرو باورهای دینی و صفات الهی دچار انحراف تجسیم و تشبیه شدند و یا مجبور به توقف گردیده و درک عقل را نسبت به مفاهیم دینی تعطیل نمودند» (۱۹).

روش امام باقر<sup>(ع)</sup> در باب رعایت اعتدال و رشد عقل جمعی مردم زمانه خویش روشن نمودن افکار و عقول شیعیان نسبت به افکار مذاهب منحرف و جلوگیری از روی آوردن شیعیان به مکاتب غلط و التقاطی بود. آن حضرت به پیروان خود می‌فرمود: «مغیره بن سعید، از رحمت خداوند دور باد! چون بر ما دروغ می‌بندد...» (۲۰). هم‌چنین امام<sup>(ع)</sup> خطاب به پیروانش می‌فرماید: «... مقام علی<sup>(ع)</sup> را از آن‌چه خداوند برایش قرار داده، پایین‌تر نیاورید و او را فوق مقامی که خداوند برایش معین کرده، قرار ندهید...» (۱۴). «ای شیعیان، شیعه آل محمد! شما تکیه‌گاهی معمولی باشید تا افراد افراطی به شما رجوع کنند و افراد مردّد هم به شما پیوندند...» (۱۴). امام<sup>(ع)</sup> در این فراز از بیاناتش به شیعیان توصیه می‌کند که راه وسط و حد اعتدال را پیشه کنند تا افراد افراطی که در دین غلو می‌کنند، به آن‌ها روی آورده و از عقاید انحرافی و

از این جهت است که دیوانه زودتر از عاقل غضبناک می‌شود و مریض از تندرست زودتر به غضب می‌آید و پیران ضعیف المزاج زودتر از مردان از جا در می‌آیند و صاحبان اخلاقی بد زودتر از ارباب ملکات فاضله به خشم می‌آیند، چنان که می‌بینی کسی که رذل است، به فوت یک لقمه خشمناک می‌شود.»

از منظر امام باقر(ع) خشم دل آدمی را که محل تعقل و تفقه است تباہ نموده و مانع رشد عقل خواهد شد: «الغضب مُمَحِّقَةُ الْقَلْبِ الْحَكِيمِ، وَ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ»؛ «خشم دل شخص حکیم را تباہ می‌سازد و هرکس بر خشم خویش مسلط نباشد بر عقلش مسلط نمی‌شود.» (۱۴). حضرت باقر(ع) در روایتی دیگر در باب صبر بر خشم می‌فرماید: «پدرم امام سجاد(ع) می‌فرمود، پسرم! هیچ چیز مانند عصبانیتی که با صبر پایان می‌پذیرد چشم پدرت را روشن نمی‌کند» (۱۳). در سیره اخلاقی امام باقر(ع) نیز آمده است: روزی یک نفر مسیحی به آن حضرت جسارت کرد و گفت: «انت بقری؛ تو گاو هستی.» امام بدون این که خشمگین شود، فرمود: «لَا أَنَا بِقَرٍ»؛ نه من باقرم. مسیحی گفت: تو پسر آن زن آشپز هستی؟ امام فرمود: آری مادرم یک بانوی آشپز بود. آن مرد برای این که امام را عصبانی کند، دوباره گفت: تو پسر زن سیاه چرده، زنگی و دشنام گو هستی. امام پاسخ داد. اگر تو راست می‌گویی، خدا مادرم را بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی، خداوند تو را ببخشد. وقتی آن مرد مسیحی بردباری و حلم بی‌پایان امام را مشاهده کرد که با این اهانت‌ها هرگز خشمگین نشد و کاملاً بر نفس خود مسلط بود، زبان بر شهادتین جاری کرد و مسلمان شد. امام صادق(ع) فرمودند: «مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ»؛ (۱۳)؛ «آن که مالک خشم خود نباشد، مالک عقل خود نیست.» ابو ربیع شلمی می‌گوید: روزی به خانه امام صادق(ع) رفتم. خانه لبریز از جمعیت بود. خراسانی و شامی و جاهای دیگر. خلاصه از بلاد مختلف مردم در آن جا جمع بودند، به شکلی جایی برای نشستن پیدا نکردم. امام آمدند و نشستند؛ تکیه به دیوار فرموده، ندا دادند: «ای شیعیان آل محمد(ص) کسی که هنگام خشم خویشتن داری نکنند، از ما نیست و کسی که هم‌نشین خوبی برای هم‌نشینش نباشد یا هم صحبت خوبی برای هم صحبت خود یا رفیق خوبی برای رفیق خود. ای شیعیان آل محمد(ص) تا می‌توانید تقوای خدا پیشه کنید که هیچ نیرو و توانی جز به خواست خدای بزرگ نیست.» (۱۳).

یکی از مسائل مهم در امر تعلیم و تربیت، تقویت عقل جهت غلبه بر عواطف و هیجانات از جمله خشم و غضب است. سیره تربیتی و اخلاقی امامین صادقین(ع) جهت روشن بینی و رفع موانع عقل دستوراتی را برای فرو بردن خشم ارائه داده‌اند که می‌توان آن را به تربیت عقلانی تعمیم داد. در واقع بر کسانی که در امر تعلیم و تربیت دستی دارند و می‌توانند تأثیرگذار باشند، مانند معلمان و مربیان لازم است با بیان داستان‌ها و حکایات و اتفاقات حاصل از خشم، زیان‌ها و اثرات خشمگین شدن و فواید کنترل خشم، مانع طغیان خشم در مرتب‌ان شوند.

دروغ‌گویی

نظام تربیتی آن حضرت و بها دادن به آن در تاویل ظواهر نصوص است. از باب نمونه، زمانی که معاویه بن وهب از رویت خداوند سوال کرد، حضرت می‌فرمود: «رویت دو گونه است: رویت قلبی و رویت بصری و آنچه در مورد خداوند امکان‌پذیر است رویت قلبی است نه بصری.» چون عقل حکم می‌کند که خداوند جسم نیست پس قابل رویت بصری نیست. استدلال مذکور موید آن است که یکی از دلایل موفقیت امام در مهندسی فرهنگی جامعه شیعه و خضوع مخالفان و ملحدان در مقابل آن حضرت، استفاده از تربیت عقلانی و به‌کارگیری آن در مباحث و مناظرات علمی بوده است. چون برخورداری از موضع مناسب برای ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه و مقابله با آن‌ها، استدلال‌های عقلی قوی و استوار می‌طلبد و امام صادق(ع) در موارد بسیاری از مناظرات، از استدلال‌های عقلی استوار، برای آسیب‌پذیر کردن مشکوکات طرف مقابل استفاده می‌کردند که به ذکر یک مورد بسنده می‌شود. در یکی از مناظرات، زندقی با استدلالی باطل، بیان می‌کرد که اگر خدا در آسمان باشد، چگونه می‌تواند در زمین هم باشد اگر در زمین باشد، چگونه می‌تواند در آسمان هم باشد؟ امام با منطق و برهانی قاطع فرمود، آنچه که توصیف کردی، صفت مخلوق است نه صفت خالق؛ زیرا این مخلوق است که وقتی از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌شود، محل اول خالی از اوست و از جریاناتی که در مکان اول اتفاق می‌افتد، مطلع نیست، ولی خداوند متعال هیچ مکانی از او خالی نیست (۲۵).

کوتاه سخن آن که در جهان معاصر نیز ساختار نظام آموزشی غرب بر عقل‌گرایی افراطی پایه‌گذاری شده که معتقد است تنها می‌توان قضیه‌ای را عقلاً پذیرفت که صدق آن برای همه عاقلان در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها به اثبات رسد. به زعم نگارنده در سیره و نظام تربیتی امامین صادقین(ع) رویکردی معتدل درباره عقل اتخاذ گردیده و با حفظ جایگاه نقل، از نقش عقل نیز در فهم آموزه‌های دینی بهره گرفته شده است. از این‌رو ضرورت عقل‌گرایی معتدل، در شالوده نظام تربیتی این دو امام همام جزو مبانی پذیرفته شده می‌باشد. به عبارتی در این نظام تربیتی، گزاره‌های اعتقادی و دینی بر پایه تفکر و تعقل انسانی گره خورده است. در واقع خروج از اعتدال در بهره‌گیری از عقل جزو موانع برجسته تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین(ع) بوده و نهادینه شدن عقل‌گرایی معتدل در سیره تربیتی امامین(ع) آن را در شمار شاخصه‌های مکتب تشیع قرار داده است.

خشم و غضب

از جمله موانع تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین(ع) خشم و غضب است به نحوی که بر عقل آدمی غالب آید. «غضب» حالتی است که بر اثر عوامل درونی و بیرونی به‌منظور حس انتقام‌جویی در انسان پدید می‌آید. غضب همانند تکبر جنبه درونی دارد و در نفس آدمی شکل می‌گیرد. راغب از این حالت به غلبان و جوشش خون قلب تعبیر کرده که آغازش از درون است و به تدریج همه بدن را فرا می‌گیرد. غضب چیزی نیست مگر از بیماری دل و نقصان عقل که باعث آن ضعف نفس است نه شجاعت و قوت و

به دروغ مبتلا نشده و به تاریکی عقل و قلب مبتلا نشوند، بلکه باید در اوقات حساس نیز در گفتار و رفتار خود راست‌گویی و صداقت را رعایت کنند تا متریبان طبق آموزه‌های اسلامی تربیت شوند و صداقت در سخن و عمل را از همان کودکی از مربیان و پدر و مادر خود بیاموزند. این مسئله از نظر تربیتی چنان جدی است که می‌توان گفت هرگز و تحت هیچ عنوان نباید به کودکان دروغ گفت.

#### حماقت و سفاهت

حماقت، سفاهت و هم‌نشینی با دوستان و مشاوران احمق از جمله موانعی است که در سیره امامین صادقین<sup>(ع)</sup> به‌عنوان میراننده و مانع رشد عقل و قلب و به تبع آن از جمله موانع تربیت عقلانی به‌نظر می‌رسد. سفاهت به معنای سبکی، جهالت و نقص در عقل است. در اصطلاح به کسی می‌گویند که قبل از فکر کردن حرف می‌زند و از روی غفلت سخن می‌گوید و توجهی به صحیح یا باطل بودن کلامش ندارد. علامه طباطبائی، سفاهت در آیه شریفه «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره/۱۳۰) را به معنای حماقت تفسیر کرده‌اند.

در روایت دیگری از امام علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> آمده است که فرزند دلبندش امام باقر<sup>(ع)</sup> را از هم‌نشینی و رفاقت و گفت‌وگو و همسفر شدن با پنج گروه نهی فرموده است، چهار گروه‌اش با آن‌چه در بالا آمد مشترک است و گروه پنجم شخص قاطع رحم است، همان کسی که پیوند خویشاوندی را با بستگانش می‌گسلد، فرمود: «إِيَّاكَ وَمَصَاحِبَةَ الْقَطَاعِ لِرَحْمَةِ فِائِي وَجِدْتُهُ مُلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعٍ؛ از رفاقت و هم‌نشینی با شخصی که قاطع رحم است (پیوند خویشاوندی اش را با بستگانش بریده) بپرهیز، زیرا من او را در سه‌جا از قرآن مجید مورد لعن دیدم»<sup>(۱۳)</sup>. امام باقر<sup>(ع)</sup> در ادامه می‌فرماید: «انسان احمق، اگر سخن بگوید حماقت و نادانیش او را رسوا خواهد کرد، اگر سکوت کند نارسائی و عجزش ظاهر می‌گردد، اگر به کاری دست بزند آن را خراب می‌کند، اگر رازی به وی سپرده شود افشا می‌نماید، نه دانش خودش او را بی‌نیاز می‌کند و نه از دانش دیگران بهره‌مند می‌گردد، اندرزگوی خود را اطاعت نمی‌کند و رفیق خود را راحت نمی‌گذارد، مادرش مرگ او را دوست دارد تا در عزایش گریه کند و زنش آرزوی جدائی وی را در مغز می‌پرورد، همسایه‌اش تمنا دارد که از منزل او دور باشد و هم‌نشین وی از ترس مجالست با او در تنهائی و سکوت به‌سر می‌برد، موقعی که احمق در مجلس دیگران شرکت می‌کند اگر حضار محضر از او بزرگتر باشند همه آن‌ها را عاجز می‌کند و اگر از وی کوچک‌تر باشند با رفتار و گفتار احمقانه خود آنان را گمراه می‌نماید».

در حدیث دیگری از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «لَا يَبْغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُوَاحِيَ الْفَاجِرَ وَلَا الْأَحْمَقَ وَلَا الْكَذَّابَ»؛ سزاوار نیست افراد با

دروغ‌گویی از گناهان کبیره و بزرگ‌ترین رذایل اخلاقی است. هم‌چنین در برخی روایات کلید همه بدی‌ها دانسته شده است (۱۴). به گفته ملا احمد نراقی در آیات و روایات زیادی به مذمت دروغ و دروغ‌گویی اشاره شده است. از جمله در قرآن دروغگو مستحق لعن و خشم پروردگار معرفی شده است (نور/۷). در کتاب‌های متعدد حدیثی باب‌های جداگانه‌ای به آن اختصاص داده شده است. برای نمونه در کتاب الکافی در باب الکذب ۲۲ حدیث در مذمت دروغ نقل شده است (۱۳).

از منظر امام باقر<sup>(ع)</sup> دروغ‌گویی بدتر از شرابخواری مانع رشد عقل و تربیت عقلانی خواهد شد. در حدیثی از امام باقر<sup>(ع)</sup> آمده است: «خداوند متعال برای شر و بدی، قتل‌هایی قرار داده که کلید آن قتل‌ها شراب است (چرا که مانع اصلی زشتی‌ها و بدی‌ها عقل است و مشروبات الکلی عقل را از کار می‌اندازد) سپس اضافه فرمود: دروغ از شراب هم بدتر است» (۱۳). مجلسی درباره این حدیث می‌نویسد: گویا سرش اینست که شراب عقل را زائل کند و با زائل شدن آن تمامی موانع- چون شرم از خدا و خلق و تفکر در قبح و عقاب خدا و مفسده‌های دنیوی و اخروی- برداشته شود پس تمامی این قتل‌ها باز گردد، و گویا مراد بدروغی که بدتر از شراب است دروغ بر خداوند و حجت‌های اوست زیرا او هم ردیف کفر است، و حلال شمردن شراب‌های حرام یکی از نتایج این قسم دروغ است (۱۴). امام باقر<sup>(ع)</sup> در جایی دیگر دروغ را مانع و ویران‌کننده ایمان برشمردند. «دروغ ویران‌کننده ایمان است». چنان‌که بیان شد، اهل ایمان با دروغ‌گویی میانه‌ای ندارند و کسی که عادت به دروغ‌گویی پیدا کند، عقل و قلبش از نور ایمان تهی و در نتیجه از هدایت الهی محروم خواهد شد». در کتاب کافی نقل است که امام باقر<sup>(ع)</sup> در سیره تربیتی خود، حتی به شوخی به دروغ‌گویی روی نیاورده و آن را مذموم دانسته‌اند. حضرت در این‌باره می‌فرماید: «اتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جَدِّ وَهَزَلٍ؛ از دروغ، چه جدی و چه شوخی بپرهیزید». در سیره امام صادق<sup>(ع)</sup> ملاحظاتی نیز در باب دروغ مصلحت‌آمیز قابل مشاهده است که به‌نظر می‌رسد در تربیت عقلانی می‌تواند مورد کاربست قرار گیرد. عیسی بن حسان گوید: از حضرت صادق<sup>(ع)</sup> شنیدم که می‌فرمود: از هر دروغ‌گو در یک روزی بازپرسی شود جز در سه‌جا یکی مردی که در نبرد خود (با دشمنان دین) نیرنگ زند که گناهی بر او نیست، دیگر مردی که میان دو کس را سازش دهد و اصلاح کند، باین برخورد کند بغیر آن‌چه بدیگری برخورد کند، و مقصودش از این کار اصلاح میانه آن دو است، سوم: مردی که بزنی خود (با خانواده‌اش) بچیزی وعده دهد و قصد انجام دادن آن را نداشته باشد. در حدیث دیگری از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «اصلاح‌کننده (بین دو نفر یا دو جمعیت) دروغ‌گو نیست».

بنابراین مربیان با اتکا به سیره امامین صادقین<sup>(ع)</sup> در تربیت عقلانی باید کاملاً مراقب سخن خود از نظر صدق و کذب بود تا متریبان

<sup>۲</sup>- اشاره به آیات: سوره‌های «محمد»، آیه ۲۲ و ۲۳، «بقره»، آیه ۲۷ و «رعد»،

<sup>۱</sup>- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ذَكْرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْكُذْبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ

هم چون امید یاری دهنده (مشوق) نیست<sup>۲</sup>... «ولانعمه كالعافية و لاعافية كمساعدة التوفيق، و لا شرف كبعد الهمة ولا زهد كقصر الأمل، ولا حرص كالمنافسة في الدرجات»؛ نعمتی هم چون سلامتی نیست و عافیتی چون همراهی توفیق وجود ندارد، و شرف و بزرگی بسان همت بلند نیست، و زهدی چون کوتاهی آرزوها وجود ندارد، و هیچ حرصی بیای رقابت بر سر مقام نمی‌رسد.<sup>۳</sup>» (۲۰).

در سیره امام باقر(ع) تذکرات اساسی روانی، امنیتی و بهداشتی به متریبان در حالت‌های متفاوت مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال حضرت در برخورد با کسی که غضبناک بود می‌فرماید: «زمانی که فردی غضبناک می‌شود، باید بنشیند و اگر نشسته است، باید بایستد» (۲۴). مساله سلامت و امنیت در انتخاب دایه و امر تربیت کودکان نیز کاملاً مشهود است. حضرت در این باره فرمودند: «بر شما باد به انتخاب دایه‌های نظیف و زیبا، زیرا شیر انتقال‌دهنده (زیبایی) است» (۱۰).

بر پایه موارد مطروحه از سیره امامین صادقین(ع) مساله «عقل سالم در بدن سالم» می‌تواند مورد تأکید در نظام تربیت عقلانی باشد به گونه‌ای که فقدان سلامت و امنیت مانع رشد عقل و تربیت عقلانی خواهد شد. شعار «العقل السليم في البدن السليم» که در آموزه‌های تربیتی امام خمینی(ره) نیز مورد تأکید قرار گرفته است اهمیت ورزش و سلامت تن و اثر آن در ایجاد شناخت خدا و عبادت و بندگی به خوبی معلوم می‌نماید. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان‌طوری که بدن را تربیت و سالم می‌کند عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم باشد تهذیب نفس هم به دنبال او باید باشد. شما ورزشکاران همان‌طوری که ورزش می‌کنید و اعصاب خودتان را قوی می‌کنید و انشاء الله برای آینده مملکت مفید خواهد بود لازم است که همه ابعاد روحی خودتان را تحت تربیت ورزشی قرار بدهید. امام علی(ع) که در هر جا می‌رویم اسم او هست، پیش فقها می‌رویم فقه علی، پیش زاهد می‌رویم، زهد علی، پیش صوفی‌ها وقتی می‌رویم آن‌ها هم می‌گویند تصوف علی(ع)، پیش «ورزشکاران» هم که می‌رویم آن‌ها هم می‌گویند علی و با اسم علی شروع می‌کنند. علی(ع) همه چیز است، یعنی در همه ابعاد انسانیت درجه یک است و لهذا هر طایفه‌ای خود را به او نزدیک می‌کنند. ورزشکاران همان‌طور که قدرت بدنی برای خودتان تحصیل می‌کنید (و ماشاء الله با بازوهای ستر این‌جا الان نشسته‌اید و من هم خیلی خوشم می‌آید) همان‌طور به علی(ع) اقتدا کنید». نهایت سخن این که اگر چه در تربیت عقلانی عملکرد تربیتی و آموزشی متریبان، از تعامل پیچیده بین عقل و متغیرهای زمینه‌ای ناشی می‌شود، سلامت و امنیت عامل مهم حیاتی در توانایی متریبان در تربیت عقلانی بوده و فقدان آن مانعی بر مسیر

ایمان با فاجران و افراد احمق و دروغ‌گویان طرح برادری بریزند». از آنجایی که محبوب‌ترین موجودات نزد خداوند متعال عقل است و اگر خداوند کسی را بسیار دوست بدارد عقل و بینش به او می‌دهد، لذا اگر کسی را هم دوست نداشته باشد این نعمت را از او می‌ستاند، از حضرت امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: خداوند عزوجل موجودی را مبعوض‌تر از احمق نیافریده است: زیرا محبوب‌ترین اشیا که عقل باشد را از او گرفته است. در این روایت حماقت به روشنی مانعی بر مسیر رشد عقل و تربیت عقلانی قابل استنباط است.

با این توصیفات در روایات فوق، چند مورد از ویژگی‌ها و نشانه‌های سفاقت و حماقت را به منزله‌ی مانعی بر تربیت عقلانی و رشد و شکوفایی عقل برشمرده است. پذیرش مدح دیگران درحالی که بیش از لیاقتش باشد، شتاب در حرف زدن، انجام کار زشت بر اثر اصرار و پافشاری از جانب دیگران و بی‌ادبی را از علائم حماقت دانسته و در مقابل از ویژگی‌های انسان عاقل، نپذیرفتن مدح بیش از لیاقتش از جانب دیگران، سخن گفتن بجا و درست، گوش کردن به کلام دیگران با هوشیاری، شتاب نکردن در حرف زدن، انجام ندادن کار زشت گرچه تحت فشار باشد و ادب را برشمرده است. از طرفی هم‌نشینی با حقا و سفهاء در تربیت عقلانی مبتنی بر سیره امامین صادقین(ع) از موانع رشد عقل و تربیت عقلانی است.

#### فقدان امنیت و سلامت

در سیره امامین صادقین(ع) از موانع جدی در تربیت عقلانی و شکوفایی عقل مساله فقدان امنیت و سلامت است. از منظر امام صادق(ع) انسان موجودی است که می‌بایست آرامش را در تعبد و آموزه‌های وحیانی بجوید و آسایش را با تعقل و به‌کارگیری عقل و عقلانیت، این پیامبر درونی فراهم آورد. حضرت در این زمینه می‌فرماید: «پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، همواره در زندگی‌اش کمبود دارد و «کم عقل» و «دل نگران» است: اول، تندرستی، دوم امنیت، سوم روزی فراوان، چهارم همراه هم‌رأی. راوی پرسید: همراه هم‌رأی کیست؟ امام(ع) فرمودند: همسر و فرزند و هم‌نشین خوب و پنجم که در برگیرنده همه این‌هاست، رفاه و آسایش است» (۲۶) در حقیقت آرامش و آسایش (رفاه) کلید خوش‌بختی و مولد اصلی است که با عنصری از جمله عدالت، همسران و فرزندان صالح و یاران خوب و سلامت تن و روان و مانند آن تأمین می‌شود.

امام باقر(ع) نیز بر نعمت سلامت این چنین تأکید ورزیده‌اند: «بدان که هیچ دانشی هم چون طلب سلامت نیست و هیچ سلامتی بسان سلامت قلب نیست و هیچ خردی مانند مخالفت با هوس نیست و هیچ ترسی مانند ترس بازدارنده (از گناه) نیست و هیچ امیدی

<sup>۲</sup> - و علم أنه لا علم كطلب السلامة، و لا سلامة كسلامة القلب

<sup>۳</sup> - ولانعمه كالعافية و لاعافية كمساعدة التوفيق، و لا شرف كبعد الهمة ولا زهد كقصر الأمل، ولا حرص كالمنافسة في الدرجات

<sup>۱</sup> - خمس خصال من فقد واحدة منهن لم يزل ناقص العيش زائلاً لعقل مشغول القلب، فأولها: صحة البدن والثانية: الأمن والثالثة: السعة في الرزق، والرابعة: الأئیس الموافق (قال الراوي): قلت: وما الأئیس الموافق؟ قال: الزوجة الصالحة، والولد الصالح، والخليط الصالح والخامسة: وهي تجمع هذه الخصال: الدعاء.

را به کار برده است هم چون آیه: «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/۵۱)؛ ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم. «وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعراء/۸۲)؛ همان کسی که امید دارم در روز قیامت گناهانم را ببخشد. در این آیات امید بندگان به خداوند است و این طمع داشتن به رحمت الهی است که در دل‌های مومنان وجود دارد. اما اگر طمع به معنای توجه به مال مردم باشد و چشم داشت به دارایی‌های شان باشد این طمع از جنود جهل است (۱۴).

در باب برحذر بودن از طمع، امام صادق<sup>(ع)</sup> به هشام می‌فرماید: «يَا هِشَامُ إِيَّاكَ وَالطَّمَعَ وَعَلَيْكَ بِأَلْيَاسٍ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ أَمْتِ الطَّمَعِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنَّ الطَّمَعَ مَفْتَاحُ الذَّلِّ وَ اخْتِلَاسٍ»؛ از طمع برحذر باش و از آن چه در دست‌های مردم است ناامید باش و طمع را از مخلوقین بمیران به درستی که طمع کلید ذلت و اختلاس است. از روایات فوق این‌گونه می‌توان استنباط کرد که حرص و آزمندی باعث می‌شود که عقل رشد لازم را نکند، بلکه مانعی در این راه تلقی می‌شود و نمی‌گذارد که عقل به کمال برسد. لذا معصومین<sup>(ع)</sup> ما را از طمع داشتن و ابتلای به حرص بر حذر داشته‌اند. شاهی بر این مدعا سخنی از امام علی<sup>(ع)</sup> است که می‌فرماید: «أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بَرُوقِ الْمَطَامِعِ». عقل‌ها بیشتر آن‌جا به زمین می‌خورند که طمع‌ها و آزمندی‌ها می‌درخشند و برق می‌زنند. یعنی بیشترین به خاک افتادن عقل و لغزش‌های آن در زیر درخشندگی‌های طمع‌هاست، چرا که طمع آدمی را از آسمان رفیع عقل و منزلت متعالی خرد به حضيض ذلت و پستی می‌کشاند.

امام صادق<sup>(ع)</sup> در باب طلب روزی به عنوان نکته‌ای در تربیت عقلانی اشاره نموده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسِعَ أَرْزَاقَ الْحَمَقِيِّ لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ بِنَالٍ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَ لَا حِيلَةٍ»؛ خدای تعالی روزی احمقان را فراخ گردانید تا خردمندان درس عبرت بگیرند و بدانند که دنیا نه با تلاش و کوشش به دست می‌آید و نه با زرنگی و تدبیر (۱۴). حضرت در روایتی دیگر بیهوشی تربیتی در مواجهه با حرص و طمع به متریبان خویش طرح نموده و می‌فرماید: «اگر خدا رزق، روزی تورا به عهده گرفته، پس این همه دست‌وپا زدن برای چیست؟ اگر روزی آدمی تقسیم شده حرص زدن برای چیست؟ اگر حساب و کتاب حق است، مال‌ومال جمع کردن برای چیست؟ اگر جبران و تلافی خسارت از سوی خدا راست است، پس بخل ورزیدن از چه روست؟ اگر مجازات خدا آتش است، نافرمانی او چرا؟ اگر مرگ حق است، سرخوشی و شادمانی چرا؟ اگر خدا می‌بیند، فریبکاری برای چیست؟ اگر شیطان دشمن ماست، غفلت چراست؟ اگر همه چیز از سرقت و قدر است، اندوه از چه روست؟ و اگر این دنیا از بین رفتنی است، آرام و قرار چرا است؟» (۲۶). بیانات ارزشمند امام

تربیت این‌گونه از تربیت بشمار می‌رود. پر واضح است که امروزه فناوری و مدرن شدن زندگی و هم‌چنین گسترش زندگی شهری و فرهنگ آپارتمان‌نشینی گرچه از بسیاری جهات رفاه و آسایش را برای بشر به ارمغان آورده، با کاهش تحرک و فعالیت بدنی همراه بوده و سلامت جسمانی و آمادگی قلبی و فکری انسان را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع برای انسان امروزی که به سبب فقر حرکتی، در معرض ابتلا به بیماری‌های فراوان بوده و فقدان سلامت و امنیت مانعی برای رشد عقلی متریبان شده، آموزه‌ی حیاتی امامین صادقین<sup>(ع)</sup> حلال مشکلات ازین دست به نظر می‌رسد.

#### طمع و آزمندی

طمع به معنای آرزوی شدید به داشتن چیزی است که دیگران آن را دارا هستند ولی حرص را به معنای، جمع کردن بیشتر از حد نیاز انسان، معنا کرده‌اند. با این حال در کتب لغت و اخلاقی هر دو را به یک معنا و هم‌نشین هم استعمال کرده‌اند و هر دو را به معنای زیاده خواهی و توجه به مال و ملال دیگران و ثروت اندوزی آورده‌اند.

امام باقر<sup>(ع)</sup> در وصیت‌شان به هشام بن حکم طمع را مانعی از برای رشد عقل برشمرده و از تعبیر دزدیدن عقل استفاده نموده‌اند: «از طمع بپرهیز و از آن چه در دست مردم است ناامید شو و از مخلوقات طمع ببر که طمع کلید ذلت است و عقل‌ها را می‌زدود و مردانگی‌ها را می‌برد و آبرو را آورده می‌سازد و دانش را می‌برد و باید که به پروردگارت پناه ببری و بر او توکل کنی و با نفس‌ات مجاهده کنی تا از خواهش‌هایش بازگردانی، که جهاد با نفس بر تو واجب است همان‌گونه که جهاد با دشمن. کسی که خداوند او را به سه چیز بزرگ داشت به تحقیق درباره او لطف کرده است: عقلی که رنج هوای نفس او را جلو گیرد، علمی که رنج نادانی از او ببرد و ثروتی که ترس فقر را از او دور کند». حضرت درباره حرص و آز و دوری مسلمانان از این موضوع توصیه می‌کنند همان‌گونه که خود پیوسته در زندگی می‌کوشیدند تا با کمک به دیگران و جلوگیری از مال‌اندوزی، الگوی مناسبی برای مسلمانان و به خصوص شیعیان باشند. ایشان در نکوهش حرص نسبت به دنیا از تمثیل کرم ابریشم استفاده نموده و می‌فرمایند: «انسان حریص به [مال] دنیا، همانند کرم ابریشمی است که هر چه به دور خود زیاد بپیچد، خارج شدنش از آن تارها سخت تر گردد تا آن حد که بمیرد».

در حدیث جنود عقل و جهل امام صادق<sup>(ع)</sup> طمع را از جنود عقل معرفی کرده و متضادش را یاس دانسته است و حرص را از جنود جهل معرفی کرده است و متضاد آن را قناعت و توکل معرفی کرده‌اند. اما طمعی که منظور امام است به معنای، امید در امور دنیوی و اخروی و براساس استحقاق فرد است، این طمع از جنود عقل است. چنان‌چه برخی از آیات قرآن کریم هم این نوع طمع

۱- جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي عَطْنِي مَوْعِظَةً فَقَالَ عِنْكَ إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكَلَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتَمَّامَكَ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ

بُرد.» سپس به غلامش دستور داد کیسه‌ای (هفتصددرهم) آورده تا به من دهد. آن گاه فرمود: «این پول‌ها را خرج زندگی‌ات کن و هرگاه تمام شد، مرا آگاه ساز.» از عمرو بن دینار و عبدالله بن عبید بن غیر روایت شده که گفته‌اند: هر وقت به دیدار امام باقر (ع) می‌رفتیم به ما خرجی، پوشاک و پول می‌داد و می‌فرمود: «این هدایا برای شما تهیه شده بود، پیش از آن که به ملاقاتم بیایید.» (همان).

در سیره امام صادق (ع) فقر خود خواسته و حتی مناسکی که منتج به فقر اقتصادی شود مذموم و غیر قابل دفاع است. راوی می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدیم. ایشان سراغ شخص دیگری را گرفتند و گفتند: فلانی چه می‌کند؟ گفتیم: او صالح است، کسب و کار و تجارت را رها کرده و به عبادت روی آورده است. می‌گوید: امام سه مرتبه فرمودند: «عَمَلُ الشَّيْطَانِ» (۱۳)؛ این عمل از شیطان است. بنابر حدیثی از امام صادق (ع) رفتن به دنبال کار و طلب روزی، انسان را از دیگران بی‌نیاز می‌کند، حتی اگر او فرزندان و عائله زیادی داشته باشد (۱۳). اجر و ثواب آن نیز طبق فرموده امام رضا (ع)، از اجر مجاهد در راه خداوند عزوجل بیشتر است (۱۳). به عکس، اگر کسی به خانواده خویش رسیدگی نکند و آن‌ها را در مضیقه بگذارد، طبق فرمایش امام صادق (ع) گناهکار است: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مِنْ بَعُولِهِ»، برای گناهکار بودن شخص همین بس، که به عائله خویش نرسد. از منظر امام صادق (ع) ترک تجارت موجب رشد نیافتگی و نقص عقل خواهد شد. به عبارتی حتی اگر کسی احتیاج ندارد و زندگی و معیشت او از راه دیگری تأمین می‌گردد، باز هم نمی‌تواند از فعالیت امتناع ورزد و اوقات خود را به بطالت و تنبلی بگذراند؛ زیرا اولاً ترک بدون دلیل فعالیت، از نظر روانی به انسان ضربه می‌زند، چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «تُرْكُ التَّجَارَةِ يَقْضُ الْعُقْلَ»؛ ثانیاً سبب می‌شود که انسان رفته رفته اموالش را از دست بدهد و فقیر و محتاج گردد.

از سلمی کنیز نقل است، همیشه عده‌ای به خانه امام باقر (ع) می‌آمدند و درحالی از محضر امام بیرون می‌رفتند که حضرت، آن‌ها را از غذاهای نیکو سیراب ساخته با لباس‌های پاکیزه پوشانده و پول‌هایی را نیز به مهمانان بخشیده بود. لذا یک روز به آن حضرت عرض کردم: با وجود هزینه زیاد عیال‌مندی و مهمانی، باید از مقدار احسان و هدایا کم نمائید. امام باقر (ع) در پاسخ فرمود: «یا سلمی! مَا حَسَنَةُ الدُّنْيَا لِإِلْصَاقِ الْوُحُوخِ وَالْمَعَارِفِ»؛ ای سلمی! بهترین کار دنیا، جز این نیست که انسان با برادران و دوستان خود، دیدار و احسان داشته باشد. سلمان بن قرم می‌گوید: آن حضرت به ما پانصد، ششصد تا هزار درهم هدیه می‌داد و هیچ‌گاه از کمک به برادران دینی‌اش، پاسخ به نیاز ارباب رجوع و رسیدگی به حال محرومان، افسرده و خسته نمی‌شد. از مطالعه در سیره صادقین (ع) استفاده می‌شود که فقر از موانع رشد عقل و تربیت عقلانی است. به گونه‌ای که از منظر امامین صادقین (ع) تربیتی

صادق (ع) بیان‌گر آنست که اگر انسان اندکی بیندیشد و تعقل کند در می‌یابد حرص و طمع از موانع سعادت انسان است. درواقع تکامل عقل، انسان را از طمع‌ورزی و حریص بودن باز می‌دارد و دوری از این رذیلت، زمینه سعادت دنیا و آخرت را فراهم می‌سازد. آن حضرت با برشمردن مواردی، تفکر و اندیشه و تعقل انسان را بر می‌انگیزاند تا از رذایل از جمله حرص و طمع دوری کند که این دوری کردن به منفعت انسان است.

خلاصه این‌که در سیره امامین صادقین (ع) حرص و طمع مانع رشد عقل و موجب لغزش‌های عقل است. به عبارتی طمع و آزمندی، عقل را به غلط انداخته و متربی در تصمیم خود دچار خطا خواهد شد. لذا در تربیت عقلانی باید زمینه‌ای مهیا شود تا متربی در هر کاری اندیشه کند و دست از حرص و طمع بردارد تا حکم عقل در آن کار مورد اعتماد باشد. از جمله مواردی که در تربیت عقلانی باید بدان توجه کرد، ایجاد تعدیل در خواسته‌های متربیان است که این کار جز با سیطره عقلی قوی پدید نمی‌آید.

#### فقر

مسأله فقر در سیره اهل بیت مسأله‌ای حیاتی و موثر بر رشد عقلانی انسان‌هاست. به عنوان مثال امیرالمؤمنین (ع) در تذکرات و نصایح شان به محمد حنفیه فقر را مانعی در مسیر تربیت و موجب سرگردانی عقل برشمرده و می‌فرماید: «يَا بَنِي إِبْنِي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعُقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ»؛ ای فرزندانم! من برای تو از فقر می‌ترسم، پس از آن به خداوند پناه ببر که همانا فقر، دین را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است. با مطالعه‌ی برخی دیگر از احادیث معصومین: در باب فقر می‌توان به طبقه بندی جدیدی از فقر دست یافت. به عنوان مثال در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که در قیامت فقرا پیش از حساب و کتاب به بهشت می‌روند و می‌گویند: ما چیزی در دنیا نداشتیم که حساب آن را پس بدهیم (۱۳). با این توصیف ما با دو گونه از فقر در محاسبات تربیتی خویش مواجهیم که باید منظور پژوهش کنونی از فقر به مثابه‌ی مانع تربیت عقلانی مشخص شود. در این بخش مراد از فقر، فقر نوع اول است، که بسیار نکوهش شده، عامل آن خود انسان است و معمولاً در اثر تنبلی و نادانی پدیدار می‌گردد. جامعه‌ای که افراد آن فعال نباشند، خواه‌ناخواه فقیر می‌شود. چنین فقری نه تنها تأیید نشده، بلکه بلای خانمان‌سوزی است که سبب‌ساز لعنت الهی نیز خواهد بود.

مطالعه‌ی سیره سیره اخلاقی و تربیتی امامین صادقین (ع) اهمیت بخشندگی و کمک به فقرا را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، حسن بن کثیر می‌گوید: نزد امام باقر (ع) از فقر خویش و بی‌وفایی دوستانم گلایه کردم؛ آن حضرت فرمود: «بِسِ الْأَخِ أَخِ بَرِئَاكَ غَنِيًّا وَ يَقْطَعُكَ فَقِيرًا»؛ بد برادری است آن که در زمان توانگری، حق تو را نگه دارد ولی به هنگام احتیاج، رشته دوستی خود را از تو

عَلَى الصَّرَاطِ حَقًّا فَالْعَجَبُ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَ قَدَرٍ فَالْحَزَنُ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطَّمَانِينَةُ إِلَيْهَا لِمَا دَا.

که دارای دارای فقر مالی است، دچار سرگردانی عقل خواهد شد و اجازه نخواهد داد تا رشد متربی محقق گردد.

## References

### The Holy Quran

1. Marzooqi, Rahmatullah and Safari, Yahya. (1386). Principles and methods of intellectual education from the perspective of Islamic texts, Islamic education, 5, 115-134.
2. Maliki, Hassan. (1391). Indicators of education. Tehran: Aijeh.
3. Beheshti, Saeed (1389). Methods of intellectual training in the words of Imam Ali (AS) Collection of articles of the conference on training in the biography and theology of Imam Ali (AS). Tehran: Islamic Education Publishing.
4. Jafari, Mohammad Taqi (1374). Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah. Tehran: Publications of the Office of Islamic Culture and Thought.
5. Fattahipour, Mehdi (1399). Comparison of human intellectual and spiritual education from the perspective of the Holy Quran and sociologists, especially Max Weber. Master Thesis, Payam-e-Noor University, Khuzestan Province, Payam-e-Noor Center, Ahvaz.
6. Faqih, Alireza and Torkashvand, Nasrin. (1396). An Inquiry into Rational Education; Analysis of the view of the Holy Quran and the thought of Imam Khomeini. Knowledge, 236, 27-31.
7. Rashidi, Shirin. (1392). A Study of the Principles and Methods of Rational Education Based on the Sayings of Imam Reza (AS), M.Sc. Thesis, Allameh Tabatabai University, Faculty of Educational Sciences and Psychology.
8. Khoshkhooi, Mansour and Amini, Parivash. (1394). The necessity of intellectual training from the perspective of Islam. The Second National Conference on Sustainable Development

دارای فقر مالی، دچار سرگردانی عقل خواهد شد و اجازه نخواهد داد تا رشد متربی محقق گردد. فقر از منظر آن دو امام همام یکی از سپاهیان جهل معرفی شده است ازین رو با این تعبیر مشخص می شود که «فقر» در واقع زمینه ساز «جهل» در تربیت عقلانی است و دو مفهوم «فقر» و «تربیت عقلانی» یک رابطه مشخص و تعریف شده در حوزه های اجتماعی دارند. فقر در روایات متعدد نیز به «موت اکبر» به منزله «کفر»، «سردردانی عقل»، «نقص در دین» و... نیز تعبیر شده و به نظر می رسد رویارویی و مبارزه با آن نیز وظیفه حکومت و نهادهای تربیتی است تا تربیت عقلانی جمعی محقق شود.

### نتیجه گیری

هدف از انجام این مقاله موانع تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین<sup>(ع)</sup> بوده است. پیش فرض نگارنده آن بود که مراجعه به سیره صادقین<sup>(ع)</sup> عواملی را در موانع تربیت عقلانی نمایان می کند که می توان از آن در نظام سازی تعلیم و تربیت دینی استفاده کرد. این مقاله از دو پرسش تشکیل شده است.

نتایج نشانگر آن است که تربیت عقلانی در سیره صادقین<sup>(ع)</sup> دارای موانع متعددی است که نظریه پردازان و سیاست گذاران تربیت عقلانی را هشدار خواهد داد. در سیره تربیتی امامین صادقین<sup>(ع)</sup> هرگونه دوری از اعتدال مذموم و ضرورت عقل-گرایی معتدل، در شالوده نظام تربیتی آیین دو امام همام جزو مبانی پذیرفته شده می باشد. سیره تربیتی امامین صادقین<sup>(ع)</sup> نشان می دهد، انباشتن ذهن متربیان قبل از افزایش سعه وجودی و فکری آنان با مطالب غیرلازم و عدم تناسب تربیت با سطح فکری متربی، فرصت تفکر و تشخیص صحیح و ناصحیح را از متربیان می گیرد. فقدان امنیت و سلامت در سیره صادقین<sup>(ع)</sup> از جمله موانعی است که حتی امروزه نیز کاربردی دوچندان داشته و به دلیل پیچیدگی و گسترده بودن نظام تعلیم و تربیت و رشد فناوری های نوین، عامل مهم حیاتی در توانایی متربیان در تربیت عقلانی بوده و فقدان آن مانعی بر مسیر تربیت این گونه از تربیت بشمار می رود.

در ادامه نتایج نشان دادند که مواردی چون پذیرش مدح دیگران در حالی که بیش از لیاقت متربی باشد، شتاب در حرف زدن، انجام کار زشت بر اثر اصرار و پافشاری از جانب دیگران و بی ادبی از علائم حماقت و سفاهت و مانع تربیت عقلانی بشمار می رود. مانع طمع و آزمندی نیز از جمله موانع مورد اشاره امامین صادقین<sup>(ع)</sup> بوده که عقل را به غلط انداخته و متربی در تصمیم خود دچار خطا خواهد شد. در کنار آن خشم و غضب مانعی جدی در تربی تعقلانی شناخته شد این حالت که بر اثر عوامل درونی و بیرونی به منظور حس انتقام جویی در انسان پدید می آید موجب توقف رشد عقلانی شده و نیازمند وجود طرح تربیتی در مسیر تربیت عقلانی است. دیگر مانع تربیت عقلانی دروغ گوئی است. امامین صادقین<sup>(ع)</sup> به متربیان خویش هشدار می دهند که اگر متربیان به دروغ مبتلا شوند، به تاریکی عقل و قلب مبتلا شده و تربیت عقلانی متوقف خواهد شد. نهایت آن که فقر آخرین مانع تربیت عقلانی در سیره صادقین<sup>(ع)</sup> است. از منظر امامین صادقین<sup>(ع)</sup> متربی

Muhammad ibn Ali (AS) "Al-Baqir". Tehran: World Assembly of Ahlul Bayt.

21. Qomi, Abbas (1393). Translation of the Ship of the Sea and the City of Judgment and Works. Tehran: Navid Islam, Aghik Book Publishing Institute.

22. Sharif al-Qurashi, Baqir. (1413 AH). Life of Imam Muhammad al-Baqir. Beirut: Dar al-Balaghah.

23. Hawiziya, Abdul Ali bin Jum'ah. (1390). Tafsir Sharif Noor al-Thaqalin. Translation: Hossein Mousavi Khorasani with the foreword and agate of Aghighi Bakhshashi. Qom: Navid Islam Publishing Office.

24. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad. (1395). Balance of Wisdom, Qom: Islamic Media School.

25. Tabarsi, Ahmad Ibn Abi Talib (1403 AH). Protest. Holy Mashhad: Morteza Publishing.

26. Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali. (1390). Amali Sheikh Saduq. Translator: Mohammad Baqer Kamrahai, Tehran: Librarian.

in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran.

9. Mortazavi, Sayed Mohammad (1392). Barriers to training. The Promised East, 7, 26, 41-63.

10. Klini, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. (1384). Usul al-Kafi. Translator: Hossein Estadoli, Tehran: Dar al-Thaqalin.

11. Yousefian Nematullah (1387). The method of leaders in propagating religion. Message Quarterly, No. 91.

12. Ibn Hayoun, Nu'man ibn Muhammad al-Maghribi. (1385 AH). The prayers of man. Qom: Al-Bayt Institute.

13. Clini, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. (1388). Enough. Translator: Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Library.

14. Majlisi, Mohammad Baqir Ibn Muhammad Taqi (1384). Sea of Lights, Book of Reason and Ignorance. Tehran: Islamic Bookstore.

15. Motahari, Morteza (1389). Collection of works of Master Shahid Motahari, Tehran: Sadra.

16. Harani, Hassan Ibn Ali Ibn Al-Hussein Ibn Shuba. (1404). Tuhif Aleuqul. Qom: Islamic Publishing Institute, National Association of Teachers.

17. The first martyr was Muhammad ibn Maki. (1380). Al-Darrah Al-Bahra from Al-Sadaf Al-Tahir. Translator: Abdolhadi Masoudi, Tehran: Zayer.

18. Gilani, Abdul Razzaq Ibn Mohammad Hashim. (1387). The light of Sharia and the key of truth attributed to Imam Ja'far Sadegh (AS). Editor: Reza Marandi, Tehran: Payam Hagh.

19. Shahrestaniya, Muhammad bin Abdul Karim. (1364). The nation and the solution. Qom: Al-Sharif Al-Radiya.

20. World Assembly of Ahl al-Bayt, Deputy Minister of Culture. (1391). Announcement of the gift: Imam